

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۲۱ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

## جشن استقلال گدائی گران

یکی از واژه‌هایی که در افغانستان به ابتدال کشیده شده و با وضعیت پیش‌آمده می‌رود تا به واژه‌ای کاملاً بی‌معنا تبدیل شود واژه استقلال است. استقلال در جای خود، بدون شک، مفهومی فخیم و شکوهمند دارد، اما بر زبان راندن آن از سوی مردمی که گدائی‌گری تا اعماق استخوان‌شان ریشه دوانده است، و به ویژه از سوی گروهی که مزدورترین گروه تاریخ این کشور بوده است، از هر طنز تلخی مضحک‌تر است. معنا باختگی واژه استقلال در قاموس سیاسی این کشور تلنگری است تا از نو به ابعاد مفهومی این واژه تأمل کنیم و ببینیم که چنین ادعائی در این سرزمین چقدر بجاست و تا کجا مصداق دارد.

استقلال از اندیشه آغاز می‌شود، از جایی که انسان به تفکر مستقل می‌رسد و فردیت مستقل خود را پیدا می‌کند. انسان‌هایی با چنین ویژگی جامعه مستقل می‌سازند و از بطن چنین جامعه‌ای دولت و نظام سیاسی مستقل زاده می‌شود. چنین جامعه‌ای با چنین نظامی می‌تواند با بالا بردن مهارت‌های شهروندان و با استفاده بهینه از منابع طبیعی به استقلال اقتصادی برسد و از وابستگی به بیگانگان رهائی یابد. امکان ندارد که کشوری با دست دراز گدائی به سوی این و آن ادعای استقلال کند و لاف آزادی بزند. اقتصاد خودکفا ستون فقرات هر گونه استقلال و مهم‌ترین عنصری است که در این زمینه باید بر آن تأکید شود. کشورهای متعددی در دنیای امروز هستند که جمعیت و نفوسی به مراتب کمتر و مساحت جغرافیائی بسیار کوچک‌تر از افغانستان دارند، اما با داشتن شهروندانی باسواد و آموزش‌دیده، و با بهره‌برداری خردمندانه از منابع طبیعی به کشورهای غنی و متکی به خود تبدیل شده‌اند و علاوه بر این‌که به هیچ کشور دیگری محتاج نیستند، به کشورهای فقیر متعددی در افریقا و آسیا که دارای نفوس بیش‌تر و جغرافیای کلان‌ترند، کمک‌های انسان‌دوستانه می‌کنند. استقلال یعنی این.

در افغانستان فرهنگ وابستگی مالی به بیگانگان در میان رهبران سیاسی پیشینه‌ای بیش از یک قرن دارد. در واقع از زمان شاه شجاع و دوست محمد خان به این سو حاکمان سیاسی این کشور، از هر قوم و جناحی که بوده‌اند، به اشکال مختلف مستمری‌بگیر قدرت‌های بیگانه بوده‌اند، از شاه ایران تا شاه انگلیس، و این می‌تواند راز این سرانجام شوم را که امروز گرفتارش هستیم به ما بازگوید. در نیم قرن اخیر، از زمانی که پای ابرقدرت‌های دوران جنگ سرد به شکل بارزتری به افغانستان کشیده شد، احزاب خلق و پرچم به پول و کمک شوروی و احزاب مجاهدین به پول و کمک غرب و همپیمانان عرب و غیر عرب آن وابسته بودند. دو دهه جمهوریت نیز یکی از نقاط ضعف عمده‌اش وابستگی مالی به کمک‌های جامعه جهانی بود و این یکی از عواملی بود که به سقوط آن انجامید. همه گروه‌های بنیادگرای این کشور نیز با کمک‌هایی از خارج به پیش می‌روند.

طالبان کار خود را با مزدوری برای پاکستان آغاز کردند، و از نان زن و فرزند تا سایر امکانات رهایی را از سوی آن کشور دریافت می‌کردند و هنوز زن‌ها و فرزندان بسیاری از رهبران شان در پاکستان و قطر به سر می‌برند. این گروه از سال ۲۰۱۰ سربازانش را به انواع انتحار و ادشت تا توجه امریکا را جلب کند و بگوید که برای مزدوری آماده است و بهتر از نظام جمهوری شاپستگی حمایت آن کشور را دارد. هم اکنون، کمک‌های چندین میلیون دلاری امریکا و دیگر کشورهاست که هفته‌وار مانند سیروم به رگ‌های سلطه طالبان جاری است و حیات آزمایش‌گاهی آن را تضمین می‌کند. قصه فیض حمید و تشکیل کابینه این گروه بماند به وقتی دیگر. زهی به این آزادی، زهی به این استقلال!